

# هشدار شامخ به سیاست گذاران اقتصادی

تازه‌ترین داده‌های شاخص مدیران خرید (شامخ) نشان می‌دهد اقتصاد ایران برای بیست‌ویکمین ماه متوالی در رکود مانده و نشانه‌های بهبود همچنان شکننده است



شدت افت تولید نسبت به ماه قبل کمتر شده، اما عوامل بنیادینی همچنان مانع بازگشت بنگاه‌ها به مسیر رشد هستند. جهش شدید نرخ ارز، افزایش تدریجی قیمت مواد اولیه و واسطه‌ای و در کنار آن، تداوم محدودیت‌های مالی و کمبود نقدینگی، مهم‌ترین دلایل کاهش فعالیت کسب‌وکارها در این دوره عنوان شده‌اند.

در این میان، شاخص سفارشات جدید مشتریان با ثبت عدد ۵۰٫۹ پس از دوازده ماه کاهش پیاپی، برای نخستین بار به محدوده خنثی بازگشته است. این تحول بیش از آنکه نشانه رونق پایدار باشد، بازتابی از تغییر رفتار فعالان اقتصادی در مواجهه با افزایش نرخ ارز و انتظارات تورمی است. در شرایط نااطمینانی، بخشی از تقاضا با هدف پوشش ریسک افزایش قیمت‌ها زودتر از موعد وارد بازار شده است. با این حال، بی‌ثباتی نرخ ارز، رشد تدریجی تورم و تضعیف قدرت خرید، همچنان اجازه شکل‌گیری تقاضای قوی و ماندگار را نمی‌دهد و سمت تقاضا در سطوحی شکننده باقی مانده است.

از سوی دیگر، بازار کار نیز تصویر امیدوارکننده‌ای ارائه نمی‌کند. شاخص میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی برای هفتمین ماه متوالی پایین‌تر از سطح خنثی قرار دارد. محدودیت منابع مالی بنگاه‌ها، ناتوانی در توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش دستمزد واقعی، انگیزه نیروی کار را کاهش داده و به تشدید کمبود نیروی متخصص و تکنسین در واحدهای تولیدی انجامیده است. این وضعیت نشان می‌دهد رکود نه‌تنها تولید، بلکه ظرفیت‌های انسانی اقتصاد را نیز تحت فشار قرار داده و ترمیم آن نیازمند سیاست‌هایی فراتر از اقدامات کوتاه‌مدت است.

## اختلال در زنجیره تأمین

در کنار ضعف تقاضا، سمت عرضه اقتصاد نیز با چالش‌های عمیق‌تری روبه‌رو شده است. شاخص موجودی مواد اولیه و لوازم خریداری‌شده در آورام‌ها برای سیزدهمین ماه متوالی کاهش یافته که نشانه‌ای روشن از اختلال مستمر در زنجیره تأمین است. افزایش شدید نرخ ارز، رشد بهای مواد اولیه و تداوم محدودیت‌های تخصیص ارز، آن هم در شرایطی که بنگاه‌ها با کمبود شدید منابع مالی مواجه‌اند، موجب شده بسیاری از

شرکت‌ها با کمبود جدی نهاده‌های تولید روبه‌رو شوند. افزون بر این، مشکلات ساختاری نظیر عملکرد نا کارآمد بورس کالا و عدم تأیید به‌موقع ثبت سفارش‌ها از سوی وزارت صمت، دسترسی به نهاده‌ها را دشوارتر کرده و نیاز به تدابیر پیشگیرانه و اصلاحی را دوچندان ساخته است. فشار هزینه‌ای ناشی از جهش نرخ ارز، خود را به روشنی در شاخص قیمت مواد اولیه نشان می‌دهد؛ شاخصی که در آورام‌ها به بالاترین سطح ۴۳ ماهه خود از خرداد ۱۴۰۱ رسیده است. این افزایش هزینه‌ها، بنگاه‌ها را ناگزیر کرده برای جبران بخشی از فشارها، قیمت فروش محصولات و خدمات خود را افزایش دهند. به همین دلیل، شاخص قیمت محصولات تولیدشده و خدمات ارائه‌شده نیز بالاترین مقدار ۳۲ ماهه خود از اردیبهشت ۱۴۰۲ را ثبت کرده است. چنین روندی، اگرچه به حفظ حاشیه سود بنگاه‌ها کمک می‌کند، اما هم‌زمان با تضعیف قدرت خرید، می‌تواند رکود تقاضا را عمیق‌تر سازد.

در ادامه این زنجیره، شاخص موجودی محصول نهایی در انبار و کارهای در حال تکمیل در آورام‌ها کاهش یافته و به کمترین سطح دوازده‌ماهه خود رسیده است. کمبود مواد اولیه و افزایش شدید قیمت‌ها باعث شده شرکت‌ها برای پاسخ به سفارش‌ها، بیش از گذشته به موجودی انبار متکی شوند؛ وضعیتی که در صورت تداوم، می‌تواند به توقف خطوط تولید بینجامد. در حوزه تجارت خارجی نیز شرایط چندان مساعد نیست. شاخص صادرات کالا و خدمات برای چهاردهمین ماه متوالی زیر محدوده خنثی باقی مانده است. مشکلات رفع تعهد ارزی، محدودیت‌های تجاری، ریسک‌های ژئوپلیتیکی و نگرانی از تشدید تحریم‌ها، صادرات غیرنفتی را با موانع جدی مواجه کرده و در نهایت، کاهش درآمدهای ارزی و افت توان رقابتی اقتصاد را به همراه داشته است.

## تداوم رکود در صنعت کارخانه‌ای

شاخص مدیران خرید بخش صنعت، به‌عنوان یکی از دقیق‌ترین نماگرهای سنجش وضعیت تولید و فروش در اقتصاد واقعی، تصویری شفاف‌تر از عمق رکود در صنایع کارخانه‌ای کشور ارائه می‌دهد. بر اساس نتایج نظرسنجی میدانی اتاق ایران از بنگاه‌های صنعتی، شاخص مدیران خرید صنعت ایران (تعدیل‌شده) در

آورام‌ها برای دومین ماه متوالی روندی کاهشی داشته است؛ روندی که نگرانی‌ها نسبت به تداوم رکود در بخش صنعت را تشدید می‌کند. کاهش این شاخص عمدتاً تحت تأثیر افت هم‌زمان دو مؤلفه مهم، یعنی موجودی مواد اولیه خریداری‌شده و میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی رخ داده است؛ دو مؤلفه‌ای که به‌طور مستقیم با پایداری تولید و ظرفیت‌سازی صنعتی ارتباط دارند.

در همین حال، شاخص مقدار تولید محصولات صنعتی در آورام‌ها برای دومین ماه پیاپی در محدوده مرزی خنثی ۵۰ قرار گرفته و نشان می‌دهد سطح تولید نسبت به ماه قبل تغییر محسوسی نداشته است. با این وجود، ثبات ظاهری این شاخص نباید به‌عنوان نشانه‌ای از بهبود تلقی شود؛ چراکه بیش از نیمی از صنایع کشور گزارش داده‌اند به دلیل کمبود مواد اولیه، جهش نرخ ارز و محدودیت شدید نقدینگی، با کاهش تولید مواجه بوده‌اند. این موضوع بیانگر آن است که ایستایی شاخص تولید، حاصل تعادل شکننده میان کاهش فعالیت برخی صنایع و حفظ حداقلی تولید در بخشی دیگر است.

شاخص سفارشات جدید مشتریان در آورام‌ها نسبت به ماه قبل افزایش جزئی داشته، اما این بهبود محدود نتوانسته روند کلی رکود را تغییر دهد. در بخش تقاضای خارجی، شرایط به‌مراتب نگران‌کننده‌تر است؛ به‌گونه‌ای که میزان صادرات کالا کمترین مقدار پنج‌ماهه خود را به ثبت رسانده است. عواملی نظیر الزامات رفع تعهد ارزی، ریسک‌های غیرتجاری و بی‌ثباتی اقتصاد کلان، فشار مضاعفی بر صادرات صنعتی وارد کرده و مانع از شکل‌گیری یک مسیر پایدار برای رشد فروش خارجی شده‌اند. در مجموع، داده‌های آورام‌ها نشان می‌دهد صنعت کشور همچنان درگیر رکودی فرسایشی است که ریشه آن نه‌تنها در ضعف تقاضا، بلکه در محدودیت‌های ساختاری سمت عرضه نیز قابل مشاهده است.

## چالش نهاده‌ها و آینده بازار کار

بررسی جزئیات شاخص‌های صنعتی نشان می‌دهد بحران تأمین نهاده‌ها و فشار هزینه‌ای، به یکی از اصلی‌ترین گلوگاه‌های تولید در کشور تبدیل شده است. شاخص میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی در آورام‌ها برای چهاردهمین ماه متوالی روندی کاهشی داشته و کمترین مقدار پنج‌ماهه خود را ثبت کرده است. در شرایطی که بنگاه‌ها با تقاضای ضعیف، کمبود نقدینگی و افزایش هزینه‌ها روبه‌رو هستند، رشد نرخ ارز موجب تشدید فشار مالی و کاهش توان شرکت‌ها در تأمین مالی نیروی انسانی شده است. این وضعیت از یک‌سو به کاهش اشتغال و از سوی دیگر، به تضعیف انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت انجامیده است.

در سمت عرضه نیروی کار نیز شرایط مساعد نیست. کاهش دستمزدهای واقعی در مقایسه با رشد هزینه‌های زندگی، انگیزه نیروی کار را تضعیف کرده و کمبود نیروی ماهر و متخصص را در برخی صنایع کارخانه‌ای تشدید کرده است. این شکاف، در بلندمدت می‌تواند به افت بهره‌وری و کاهش کیفیت تولید منجر شود. هم‌زمان، شاخص موجودی مواد اولیه خریداری‌شده در آورام‌ها برای بیست‌ویکمین ماه متوالی کاهش یافته و به کمترین سطح ۷۸ ماهه خود از تیرماه ۱۳۹۸ رسیده است؛ آماری که عمق اختلال در زنجیره تأمین صنعت را به خوبی نمایان می‌کند. افزایش شدید نرخ ارز نقش تعیین‌کننده‌ای در جهش شاخص قیمت خرید مواد اولیه داشته، به‌گونه‌ای که این شاخص در آورام‌ها به بالاترین سطح ۶۲ ماهه خود از آبان ۱۳۹۹ رسیده است. رشد قیمت نهاده‌ها، اختلال در زنجیره تأمین و محدودیت‌های ارزی، تولیدکنندگان را ناگزیر کرده برای جبران بخشی از هزینه‌ها، قیمت محصولات خود را افزایش دهند. در نتیجه، قیمت فروش محصولات در سطوح بالایی تثبیت شده و پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم فشار هزینه‌ای، این روند در ماه‌های آینده شدت بیشتری بگیرد. با این حال، افزایش قیمت‌ها نیز نتوانسته فروش را تقویت کند؛ چرا که شاخص میزان فروش محصولات در آورام‌ها برای دومین ماه متوالی کاهش یافته است. در بخش فروش خارجی نیز شاخص صادرات کالا همچنان کاهشی بوده و کمترین مقدار پنج‌ماهه خود را ثبت کرده است. ریسک‌های تحریمی و مشکلات رفع تعهد ارزی از مهم‌ترین عوامل این افت به شمار می‌روند. در نهایت، شاخص انتظارات تولید در ماه آینده به کمترین سطح سه‌ماهه رسیده و حدود نیمی از صنایع، چشم‌انداز ماه‌های آتی را به دلیل نوسانات نرخ ارز و ریسک‌های موجود، نامساعد ارزیابی کرده‌اند؛ وضعیتی که حتی برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت را برای بنگاه‌ها دشوار و بعضاً ناممکن ساخته است.

## حمیدرضاییانیاکشانای

روزنامه نگار

## “

## جهش نرخ ارز افزایش هزینه نهاده‌ها

## و محدودیت

## نقدینگی

## موجب شده

## رکود از سطح

## بازار فراتر رفته

## و به ساختار

## تولید نفوذ

## کند

## اقتصاد

یادداشت  
O P I N I O N



سید محمد هاشمی‌نژاد

عضو هیأت علمی دانشگاه

## سیاست مالی و منافع بازار سرمایه

نامه اخیر رئیس‌جمهوری به رئیس مجلس، که بر اصلاح نرخ مؤثر مالیاتی و بازنگری در سطح معافیت‌های مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی تمرکز دارد، نشانه روشنی از تغییر رویکرد سیاست مالی در بودجه سال آینده است. این اقدام می‌تواند در صورت اجرایی شدن، همسو با منافع بازار سرمایه و بهبود فضای کسب‌وکار باشد و به کاهش نااطمینانی‌های مالیاتی که سال‌ها بر شرکت‌های رسمی و بورسی تحمیل شده، کمک کند. مشکل اصلی بنگاه‌های اقتصادی در سال‌های گذشته نه نرخ‌های اسمی، بلکه بار واقعی و غیرقابل پیش‌بینی مالیات بوده است. بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی خارج از شفافیت عمل می‌کنند و فشار مالیاتی عمدتاً بر شرکت‌های رسمی متمرکز شده است. موضوعی که مزیت رقابتی فعالیت شفاف را کاهش داده و هزینه واقعی فعالیت قانونی را بالا برده است. اصلاح نرخ مؤثر مالیات می‌تواند این عدم تعادل را تعدیل کرده و هزینه شفاف بودن را کاهش دهد، اقدامی که به‌طور مستقیم بر کیفیت سود شرکت‌ها و قابلیت پیش‌بینی جریان‌های نقدی تأثیرگذار خواهد بود. از منظر بازار سرمایه، کاهش ریسک سیستماتیک و افزایش افق سرمایه‌گذاری، ارزش‌گذاری دارایی‌ها را بهبود می‌بخشد و امکان واکنش عقلانی‌تر بازار به متغیرهای بنیادین را فراهم می‌کند. محور دوم نامه، اصلاح معافیت‌های مالیاتی است که مکمل اصلاح نرخ مؤثر به شمار می‌آید. تجربه اقتصاد ایران نشان داده که معافیت‌های گسترده و غیرهدفمند نه به عدالت مالیاتی منجر شده و نه منابع را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کرده، بلکه اغلب به انحراف منابع به فعالیت‌های کم‌بازده انجامیده است. بازطراحی این معافیت‌ها با تمرکز بر سرمایه‌گذاری، تولید، صادرات و تأمین

مالی از طریق بازار سرمایه می‌تواند نقش محرک برای رشد بازار اولیه و افزایش عرضه اوراق و سهام داشته باشد. برای اشخاص حقیقی، اصلاح منطقی معافیت‌ها همراه با حمایت از فعالان اصلاحات در چارچوب بودجه سال آینده پررنگ‌تر می‌شود. تعدیل هوشمندانه نظام مالیاتی امکان کاهش اتکای بودجه به منابع ناپایدار از جمله نفت و واگذاری دارایی‌ها را فراهم می‌کند؛ موضوعی که همواره عامل بی‌ثباتی بازار سرمایه بوده است. بودجه‌ای که بر پایه درآمدهای پایدار تدوین شود، نااطمینانی کلان را کاهش داده و انتظارات سرمایه‌گذاران را بهبود می‌بخشد. چنین بودجه‌ای، به جای فشار بر بخش مولد، مشوق شفافیت، سرمایه‌گذاری و رشد بلندمدت خواهد بود. در مجموع، نامه رئیس‌جمهوری را می‌توان تلاشی برای هم‌سو کردن سیاست مالی با الزامات رشد پایدار و توسعه بازار سرمایه دانست.